

عنوان مقاله: مفهوم شناسی سب و لعن در قرآن

نویسنده: محدثه هلی

چکیده

در این مقاله مفهوم شناسی سب و لعن در قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد. سب در لغت به معنای دشنام دادن و در اصطلاح استفاده از هر لغتی است که در عرف این جامعه یا جامعه دیگر زشت و رکیک محسوب شود. لعن در لغت به معنای دوری و طرد است و در اصطلاح دور کردن از رحمت الهی است. پس لعن و سب باهمدیگر تفاوت بسیار دارند. خداوند از سب نهی کرده در حالی که خود برخی افراد را لعن کرده است. لعن در قرآن در آیات متعددی مورد استفاده حضرت حق واقع شده است؛ اما قرآن از سب تنها در یک آیه سخن به میان آورده که خداوند در آن نیز از سب کردن نهی کرده است. بنابراین سب و لعن دو مفهوم کاملاً جدا از یک دیگر دارند. واژگان کلیدی: مفهوم شناسی، لعن، سب، قرآن.

مقدمه

موضوع سب و لعن همیشه زمینه ساز نزاع‌ها، درگیری‌ها، قتل و غارت‌ها و کینه توزی‌ها بوده است. و فرقه‌ها و گروه‌های اسلامی را به میدان اختلاف کشانده و تلاش‌هایی را که در راه وحدت مسلمین انجام گرفته به باد فنا داده است. چه بسیار حاکمان مستبد، مخالفان خود را با این بهانه سرکوب کرده‌اند و استعمارگران بین مسلمین با این حربه نزاع و درگیری ایجاد کرده و به اهداف شوم خود دست یافته‌اند. هم اکنون نیز سب و لعن، از موضوعاتی است که مورد بهره برداری دشمنان اسلام و زمینه‌ای برای دامن زدن به اختلاف‌های بین مسلمین است.

از این رو لازم است درباره این که مفهوم سب و لعن در قرآن چیست؟ اندیشیده شود و مفهوم این دو لغت با توجه به آیات و روایات و با استفاده از تفاسیر و کتب لغت مورد بررسی قرار گیرد تا با روشن شدن مفهوم این دو و تفاوت بینشان جلو هرگونه سوء استفاده گرفته شود.

بسیاری از کلمات و جملات قرآن معانی گسترده‌ای دارند که تنها با مراجعه به ائمه معصومین علیهم السلام- و فرهنگ لغت مردم زمان نزول و خود قرآن شاید بتوان به معنای مورد نظر الهی پی برد. علاوه بر آن ممکن است یک کلمه در زمان پیامبر-صلی الله علیه و آله و سلم- معنایی داشته و مردم از آن مفهوم خاصی را می‌فهمیده‌اند و اکنون مفسران با تعمق بیشتر به معنایی دیگر که مناسب‌تر است پی برده‌اند. در این مقاله براین اساس به «مفهوم شناسی سب و لعن در قرآن» پرداخته شده و برای روشن شدن معنای لغوی، اصطلاحی و مصادیق آن‌ها از روایات و کتب لغت و تفاسیر و خود قرآن بهره گرفته شده است. در این مقاله برای آگاهی بهتر به مفهوم سب و لعن، واژه‌های مرتبط و هم معنای آن‌ها و تفاوتشان با این واژگان بررسی شده است. سب و لعن در علم اعتقادی، اخلاق، سیاسی، علم اللغه و تفسیر قابل بررسی است؛ چون این مقاله به بحث مفهوم شناسی می‌پردازد؛ این دو لغت را در علم لغت و تفسیر مورد بحث قرار می‌دهد.

در روزگار حاضر کسانی هستند که بی هیچ قید و بندی زبان به سب و لعن و ناسزا گشوده‌اند و گاهی در برابر تذکر ایستادگی کرده می‌گویند سب و لعن فلان گروه را خدا هم پسندیده می‌داند. بنابراین لازم است در گام نخست به بررسی مفهوم این لغات پرداخته شود تا مشخص گردد آیا آنچه مردم به خدا نسبت می‌دهند درست است یا نه.

با بررسی‌های انجام شده درباره مفهوم سب و لعن فقط یک کتاب با عنوان سب و لعن از دیدگاه اخلاقی و فقه سیاسی نوشته سید ابراهیم سیدعلوی یافت شد که رویکرد این کتاب به بررسی راهکارهای کنترل زبان و گناهان گسترده آن است و مقاله سب و لعن از نگاه اسلام نوشته مجتبی صبوری و مقاله سب و لعن در قرآن از علی اکبر ذاکری بعد از بحث کوتاهی درباره مفهوم سب و لعن

به بررسی جواز آن در اسلام می‌پردازد. بنابراین لازم است تحقیق کاملتری در این زمینه انجام شود تا نکات مبهم باقی مانده در این مسئله آشکار گردد.

این مقاله در دو بخش گردآوری شده است که در بخش اول آن به مفهوم شناسی سب پرداخته است. در این بخش معنای لغوی، مفهوم اصطلاحی، واژگان قریب المعنا و مرتبط با سب و سب در آیات و روایات بررسی شده است. در بخش دوم این مقاله به مفهوم شناسی لعن پرداخته و مانند بخش اول واژه لعن را مورد بررسی قرار داده است. سپس در انتها تفاوت سب و لعن نیز بیان شده است. روش انجام این مقاله کتابخانه‌ای و متکی به مراجعه به منابع گوناگون است و از کتابخانه‌های عمومی، رایانه و در این زمینه کمک گرفته شده و مقاله حاضر به روش تحلیل مطالب، جمع‌آوری شده است.

معنای لغوی سب

اصل معنای سب، قطع است سپس سب به معنای دشنام دادن (شتم) شده است چون دشنام دادن خلاف عادت عارضی است.^۱ ابن منظور و طریحی نیز آن را به معنای قطع و شتم دانسته‌اند.^۲ برخی دیگر نیز سب را فقط به معنای دشنام دادن آورده‌اند.^۳ راغب سب را دشنام درآور می‌داند.^۴ در این صورت معنایی که اکثر لغوی‌ها برای سب بیان کرده‌اند و بر آن اتفاق نظر دارند همان دشنام دادن است.

مفهوم اصطلاحی سب

سب خطاب قرار دادن فرد دیگر با هر کلمه‌ای که در آن زبان و فرهنگ فحش یا دشنام محسوب می‌شود، البته ممکن است فلان کلمه در عرف مردم این شهر عادی باشد و دشنام به حساب نیاید ولی همین کلمه در عرف مردم شهر دیگر ناسزا محسوب شود.^۵

همانند کلمه «راعنا» که مسلمانان در زمان پیامبر -صلی الله علیه و آله و سلم- از آن خطاب به پیامبر استفاده می‌کردند و از او می‌خواستند، کمی با تأنی سخن بگویند تا بتوانند مطالب را خوب درک کنند و آن را به خاطر بسپارند بدون اینکه با بیان آن نظر سوء داشته باشند؛ ولی چون این کلمه در عرف یهود

۱ - حسن، مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب - تهران، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۱۴.

۲ - محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۵۵؛ فخرالدین، طریحی، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۰.

۳ - مبارک بن محمد، ابن اثیر جزری، النهایت فی غریب الحدیث و الاثر، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۲۰؛ محمد مرتضی، الحسینی الواسطی الزبیدی الحنفی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۳؛ سعید، الخوری الشرتونی اللبنانی، اقرب الموارد فی نصح العربیة و الشوارد، دارالاسوة للطباعة و النشر ایران، بی جا، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۰۹؛ ابونصر اسماعیل بن حماد، جوهری، الصحاح للغة، دارالعلم للعالمین، بیروت، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۱۴۴.

۴ - حسین بن محمد، راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلمالدار الشامیه، دمشق - بیروت، ۱۴۱۲، ص ۳۹۱.

۵ - ک: حسن بن عبدالله، عسکری، معجم فروق اللغویه، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۳۱، ص ۵۲.

سب محسوب می‌شد، یهودیان معاند از آن برای تمسخر پیامبر-صلی الله علیه و آله و سلم- استفاده می- کردند تا دشنامی بر پیامبر خدا باشد، پس خدا مؤمنان را از گفتن این کلمه نهی فرمود.^۱

واژه قریب المعنا با سب

در بررسی‌های انجام شده تنها یک واژه قریب المعنا با سب یافت شد که آن هم «شتم» و از نظر معنایی با «سب» بسیار نزدیک است به گونه‌ای که برخی این دو واژه را یکی دانسته‌اند.

- شتم

واسطی زبیدی در معنای شتم می‌نویسد: همان سب و گفته شده که سخن زشت و قبیح است.^۲ ابن منظور در معنای شتم می‌نویسد: سخن زشتی که در آن قذف نباشد.^۳ طریحی می‌گوید: شتم یعنی توصیف کنی چیزی را به صفتی که نقص است.^۴ فرق سب با شتم در این است که شتم مشخص شدن زشتی امر با سخن ناسزا است و اصلش از الشتامه است و آن زشتی قیافه است و مرد زشت روی و بد قیافه و شیر به سبب زشتی چهره‌اش شتما نامیده می‌شود اما سب زیاده روی در دشنام دادن و طولانی کردن آن است.^۵ پس سب به معنی طول دادن شتم، دشنام و ناسزا است و به تعبیر دیگر، به کاربردن سخن سخن رکیک درباره دیگری که دربردارنده اتهام و قذف خلاف شرع نباشد.

واژه‌های مرتبط با سب

در تعدادی از آیات و روایات واژه‌هایی وجود دارند که ارتباط عمیقی با سب دارند و در این قسمت معنا و مفهوم این واژه‌ها و نحوه ارتباطشان با سب بررسی خواهد شد.

- قول اثم

در تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن از سب به عنوان یکی از مصادیق «قول اثم» یاد شده است. قول اثم شامل هر کلامی که صدورش حرام است می‌شود مثل کذب، غیبت، فحش، سب، لعن، تهمت، سرزنش، زخم زبان، نمایی، سعایت، کلمات کفر آمیز و غیر اینها که گفتند معاصی زبان ۲۵ معصیت است.^۶ بنابراین سب یکی از گناهان زبان است.

۱ - سلطان محمد، گنابادی، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد، ترجمه خانی رضا/حشمت الله ریاضی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور - تهران، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۰۱؛ فضل بن حسن، طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ترجمه مترجمان، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی - مشهد، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲ - محمد مرتضی، الحسینی الواسطی الزبیدی الحنفی، ج ۱۶، ص ۳۸۳.

۳ - محمد بن مکرم، ابن منظور، ج ۱۲، ص ۳۱۸.

۴ - فخرالدین، طریحی، ج ۶، ص ۹۸.

۵ - حسن بن عبدالله، عسکری، ص ۵۲.

۶ - عبد الحسین، طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۱۶.

- فحش

«فحش» یکی دیگر از واژگان مرتبط با «سب» است. در مصباح المنیر فحش را به معنای هر چیزی که از حد تجاوز کند آورده است.^۱ در جایی دیگر آمده است: فحش از حد گذشتن در بدی و نیز از حد گذشتن در جواب و ستم کردن در آن است.^۲ این واژه به معنای سخن یا کار زشت نیز آمده است.^۳ فحش عمل زشت و قبیح است مثل زنا و لواط و کارهای منافی عفت و اقوال رکیکه مثل مادر فلان و زن فلان که امروز بسیار رواج دارد و نسبت فحش با سب عموم و خصوص من وجه است، سب خصوص قول و کلام است چه رکیک و غیر رکیک، و فحش خصوص رکیک است چه در قول و چه در عمل.^۴ پس سب همان دشنام دادن و ناسزاگویی با هر لفظی است و فرق نمی کند آن لفظ رکیک باشد یا نباشد.

- ظلم به نفس

ظلم به نفس یکی دیگر از واژگان قرآنی است که به نظر مفسران با سب ارتباط معنایی دارد. ظلم به نفس در ترک واجبات و انجام محرمات، و نسبت ظلم بنفس با فحش و سب عموم و خصوص مطلق است زیرا فحش و سب هم ظلم به نفس است و هم ظلم به غیر ولی ظلم بنفس شامل همه محرمات و معاصی و ترک واجبات می شود.^۵ پس سب نسبت به ظلم به نفس از درجه بالاتری برخوردار است و می توان سب کننده را به طور مطلق ظالم به حساب آورد.

سب در قرآن و سنت

در قرآن یک آیه درباره سب آمده و در آن مسلمانان را از سب و ناسزاگویی نهی کرده است: «وَلَا تَسِبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ و آنهایی را که جز خدا می خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد. این گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم. آن گاه بازگشت آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود، و ایشان را از آن چه انجام می دادند آگاه خواهد ساخت.»^۶ بنابراین خداوند از سب و شتم منع کرده است. پیامبر گرامی اسلام -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله

۱ - احمد بن محمد بن علی، المقرئ القیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، مؤسسه دارالهجره، قم، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۴۲۳.

۲ - عبدالرحیم ابن عبدالکریم صفی پور، فرهنگ عربی بفارسی منتهی الارب فی لغة العرب، کتابخانه سنائی، بی جا، بی تا، ج ۳ و ۴، ص ۹۴۶.

۳ - لويس معلوف، فرهنگ مبین، مترجم قاسم بوستانی، انتشارات فقیه، تهران، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۲۹۱؛ حسن، عمید، فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸، ص ۷۵۹.

۴ - عبد الحسین، طیب، ج ۳، ص ۳۶۱.

۵ - عبد الحسین، طیب، ج ۳، ص ۳۶۱.

۶ - انعام/۱۰۸

الْعَدَاوَةِ وَالْبُغْضَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُفْسِدِينَ.^۱

ه. نقض میثاق: فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ^۲
و. به آن جهت که می گفتند: قلبهای ما بسته است: وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ.^۳

ز. تحریف کتاب: مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمِعْ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيْ أْبَالَسْنَاهُمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمِعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا.^۴

ح. ایمان به جبت و طاغوت: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُو نَصِيرًا.^۵

۲۱. شجره ملعونه: وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا.^۶

مصادیق لعن در قرآن کریم

با مراجعه به قرآن کریم پی می بریم که خداوند متعال افراد یا گروه هایی را لعن کرده است که از جمله آنها به این موارد می توان اشاره کرد:

۱- ابلیس؛ آن جا که می فرماید: «وَأَنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ»^۷؛ و همانا لعنت من برتوست تا روز جزا

۲- کافرین؛ آن جا که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا»^۸؛ همانا خداوند لعنت کرده کافران را و برای آنان جهنم را آماده نموده است. »

۱ - مائده / ۶۴

۲ - مائده / ۱۳.

۳ - بقره / ۸۸

۴ - نساء / ۴۶.

۵ - نساء / ۵۱ - ۵۲.

۶ - اسراء / ۶۰.

۷ - ص / ۷۸.

۸ - احزاب / ۶۴.

۳- بنی اسرائیل، آن‌هایی که به دستور پیامبران ایمان نیاورده و کافر شدند: **لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ**؛ لعنت شدند کسانی که از بنی اسرائیل کافر شدند، به زبان داود و عیسی بن مریم.»

۴- ظالمین: **«أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ**؛ آگاه باش لعنت خدا بر ظالمان است.»

۵- دروغ گویان: **«وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ**؛ و بار پنجم قسم یاد کند که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغ گویان باشد.»

۶- آزار دهندگان پیامبر (صلی الله علیه وآله): **«وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ**؛ و کسانی که خدا و رسول را اذیت می کنند خداوند آنان را در دنیا و آخرت مشمول لعنت خود قرار داده است.»

۷- تهمت زندگان به زنان پاکدامن: **«إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ**؛ کسانی که به زنان با ایمان و پاک دامن بی خبر از کار بد تهمت بستند محققاً در دنیا و آخرت ملعون شدند.»

۸- قاتلین مؤمنین: **«وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنُهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا**؛ و هرکس مؤمنی را به عمد بکشد مجازاتش آتش جهنم است که در آن جاوید معذب خواهد بود. خدا بر او خشم و لعنت کند، و عذابی بسیار شدید برایش مهیا سازد.»

۹- منافقین: **«وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ**؛ خدا مرد و زن از منافقان و کافران را وعده آتش دوزخ و خلود در آن داده، همان دوزخ برای کیفر آنان کافی است، و خدا آنان را لعن کرده و برای آنان عذاب ابدی است.»

۱۰- فاسدین و قطع کنندگان رحم: **«فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ*** **أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ**؛ شما منافقان اگر از فرمان خدا و طاعت روی برگردانید

۱- مائده/۷۸.

۲- هود/۱۸.

۳- نور/۷.

۴- احزاب/۵۷.

۵- نور/۲۳.

۶- نسا/۹۳.

۷- توبه/۶۸.

۸- محمد/۲۲-۲۳.

یا در زمین فساد و قطع رحم کنید باز هم امید دارید؟ اینان همین منافقانند که خدا آنان را لعن کرده و گوش و چشمشان را کور گردانید.»

لعن در روایات

در روایات زیادی از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) افرادی که مرتکب گناهان کبیره یا اعمال قبیحی که مستحق لعن است را مرتکب شده‌اند مورد لعن ایشان قرار می‌گیرند. ایشان با لعن این افراد دوری از رحمت الهی و خیر و نیکی را برای این افراد از خداوند درخواست می‌کنند. توجه به این موارد نشان می‌دهد که سیره معصومین (ع) بر گرفته از قرآن است که افراد فاسد و دارای صفات زشت، مشمول لعن حضرت قرار گرفته‌اند. برای نمونه حضرت علی علیه السلام - می‌فرماید: رسول خدا (ص) ربا و وکیل و موکل و فروشنده و خریدار و نویسنده و شاهد ربا را لعن کرد.^۱ از این دسته روایات در کتب روایی شیعه و سنی وجود دارد که لعن کردن را تأیید می‌کند.

تفاوت سب و لعن

باتوجه به مطالب گذشته سب عبارت است از دشنام و سخن زشت که موجب تنقیض و تضعیف می‌شود. بنابراین ماهیت سب با لعن تفاوت دارد اگرچه در سب و دشنام نیز مانند لعن، بیزاری و تنفر از طرف مقابل وجود دارد.

وقتی که ما سب را در کنار لعن در قرآن قرار می‌دهیم، تفاوت آن به خوبی روشن می‌شود. قرآن از سب نهی کرده است و در مقابل افراد و گروه‌هایی را لعن نموده است. پیامبر (ص) نیز افراد و گروه‌هایی را لعن کرده است، اما از سب نهی فرموده است. زمانی که شخصی مورد لعن قرار می‌گیرد؛ یعنی علیه او دعا می‌شود که از رحمت خدا به دور باشد و چون مشرکان خدا را قبول نداشتند، داعی که بیانگر دوری آنان از رحمت خدا بوده، برای آنان اهمیتی نداشته که عکس العمل نشان دهند، اما ناسزاگویی و سب، روشن است که آنان را ناراحت می‌کرده و به عکس العمل وا می‌داشته که در آیه از آن نهی شده است.^۲

نتیجه گیری

پسندیده‌ترین شیوه برای تمامی انسان‌ها در زندگی اجتماعی برخورد و رفتار مؤدبانه و سرشار از احترام به یکدیگر است. این نوع عملکرد باعث نزدیکی قلوب شده و تأثیر دین را بر ناآگاهان و در راه ماندگان بیشتر می‌کند. بنابراین دشنام دادن و سب و ناسزاگویی به دیگران حتی مشرکان و کافران جایز نیست؛ زیرا با این کار راه برای دشنام دشمنان به حضرت حق باز شده و نوعی شرک خفی به دنبال می‌آورد. به همین سبب خداوند و معصومین نیز از این کار منع کرده‌اند. اما سب با لعن فرق دارد زیرا معبودی که خود منتهای آداب و ادب است و در کتاب خود از هرگونه لغتی که محتوای نامناسبی داشته

۱ - محمد بن علی بن حسین، بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ج ۳، ص ۲۷۴.

۲ - علی اکبر، ذاکری (۱۳۸۹)، سب و لعن در قرآن، فصلنامه حوزه، ش ۱۵۷، صص ۱۵۵-۱۷۴.

پرهیز کرده، از لعن برخی افراد سخن به میان آورده است. سب دشنام دادن و لعن درخواست دور شدن از رحمت الهی است. پس این دو لغت در معنا، مفهوم و موارد استعمال باهم فرق دارند. سب مورد استفاده بدخواهان دین است اما لعن برای بدخواهان دین و صاحبان گناهان کبیره و... استفاده می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی) - قم، ۱۳۷۳

۱- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایت فی غریب الحدیث و الاثر، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷

۲- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین، من لایحضره الفقیه، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳

۳- ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴

۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴

۵- جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، دارالکتاب العربی، بیروت-لبنان، ۱۴۰۵

۶- جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد، الصحاح؛ تاج اللغة وصحاح العربیة، دارالعلم للعلامین، بیروت، ۱۹۹۰

۷- الحسینی الواسطی الزبیدی الحنفی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت-لبنان، ۱۴۲۱

۸- الخوری الشرتونی اللبنانی، سعید، اقرب الموارد فی نصح العربیة و الشوارد، دارالاسوة للطباعة و النشر ایران، بی جا، ۱۳۷۴

۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلمالدار الشامیه، دمشق-بیروت، ۱۴۱۲

۱۰- صفی پور، عبدالرحیم ابن عبدالکریم، فرهنگ عربی بفارسی منتهی الارب فی لغة العرب، کتابخانه سنائی، بی جا، بی تا

۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه مترجمان، انتشارات فراهانی - تهران، ۱۳۶۰

۱۲- _____، تفسیر جوامع الجامع، ترجمه مترجمان، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی - مشهد، ۱۳۷۷

۱۳- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵

- ۱۴- طیب، عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸
- ۱۵- عاملی، حر، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹
- ۱۶- عسکری، حسن بن عبدالله، معجم فروق اللغویه، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۳۱
- ۱۷- عمید، حسن، فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸
- ۱۸- کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵
- ۱۹- گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادۀ، ترجمه خانی رضا/حشمت الله ریاضی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور - تهران، ۱۳۷۲
- ۲۰- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام-، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، ۱۴۰۴
- ۲۱- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب - تهران، ۱۳۶۰
- ۲۲- معلوف، لويس، فرهنگ مبین، ترجمه قاسم بوستانی، انتشارات فقیه، تهران، ۱۳۷۳
- ۲۳- ———، المنجد عربی - فارسی، ترجمه محمد بندرریگی، انتشارات ایران، تهران، ۱۳۸۴
- ۲۴- المقرئ القیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، مؤسسه دارالهجره، قم، ۱۴۲۵
- ۲۵- نگری، احمد، دستورالعلماء (موسوعه مصطلحات جامع العلوم)، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، ۱۹۹۷
- ۱- ذاکری، علی اکبر (۱۳۸۹)، سب و لعن در قرآن، فصلنامه حوزه، ش ۱۵۷، صص ۱۵۵-۱۷۴.